

## نقش پیمان نامه های نظامی

### در سطح جهانی

□ — ن — ص

اولین قرارداد محدود کردن سلاحهای استراتژیک که از اهمیت توازن جهانی برخوردارند در سال ۱۹۷۲ تشکیل شد. که قریب ۱۲ سال از تشکیل آن گذشته است.

از سال ۱۹۷۹ نیز به علت پایان پذیرفتن معاهده «سالت» یک، قدرتها برای تمدید و برقراری دوباره این پیمان گرد آمدند. سالت دو پیمانی است که از سه قسمت تشکیل شده است که هویت این پیمان را مشخص میکند:

۱- پروتکل قرارداد که تا ۱۹۸۱ قابل رعایت است.

۲- موافقت نامه ای که تا سال ۱۹۸۵ معتبر است.

۳- اعلامیه ای که خطوط اصلی سالت «۲» را مشخص میسازد.

اینها خطوط کلی پیمان سالت است. با این قراردادها ابرقدرتها در برابر هم تعهد میکنند که تا پایان دوره و زمان قرارداد که در پیمان سالت «۲» به داشتن تعداد ۲۲۵۰ نوع اسلحه تاکید دارد. سلاحهای استراتژیک هر کدام از ابرقدرتها نیز بنا بر این قرارداد باید محدود شود از جمله موشکهای قاره پیمای بالستیک، موشکهای ضد زیر دریائی بالستیک، موشکهای چند پیکانه اتمی.

و همچنین در بردارنده اجازه ایست که طبق آن به دوا بر قدرت امکان ساختن یک سلاح استراتژیک تا سال ۱۹۸۱ را میدهد.

اما مسئله در اینجا است که آیا ابرقدرتها بوسیله اینگونه قراردادها میتوانند از رشد انفجار آمیز خود جلوگیری بعمل آورند یا خیر؟

آیا با محدود کردن سلاحهای استراتژیک که همان سلاحهای اتمی مخرب است میتوانند صلحی را در زمین برقرار سازند و یا حتی جهان را بسوی رسیدن به یک صلح پایدار هدایت کنند محققاً میتوان گفت که هر کدام از این ابرقدرتها شرق

و غرب دارای تولیدات جنگ افزاری توسعه یافته ای میباشند و این تولیدات بازار میطلبند و بازار اینها نیز بجز میدانهای نبرد نیست بهمین جهت آنها نیازمند داشتن میدانهای جنگی برای مصرف تولیدات داخلی خود هستند چرا که در غیر این صورت تمرکز سود و ازدیاد آن که خواست ایشان میباشد حاصل نخواهد شد.

و علاوه بر این موقعیت تفوق جویانه آنها نیز بخطر خواهد افتاد. با در نظر گرفتن این مسائل میتوان گفت که این پیمانها جز مسکنی برای چشمها و دلهای نگران توده های مردم جهان نیست. چرا که شواهد موجود حکایت میکند که اینها نه تنها در جهت محدود کردن سلاحها و جنگ افزارهای خانمان برانداز خود نیستند بلکه در جهت رشد این تولیدات جنگی خود نیز تلاش میکنند آمار زیر نشانگر این مدعاست.

آمریکا ادعا میکند که موشکهای قاره پیمای چند کلاهیکی «پریدنت و ام-ایکس» خود را در مقابل شوروی توسعه خواهد داد و شوروی نیز به نوبه خود خواستار تولید و تکمیل موشکهای چند پیکانه از نوع «اس اس ۱۹» و «اس اس ۱۸» و «اس اس ۱۷» میباشد.

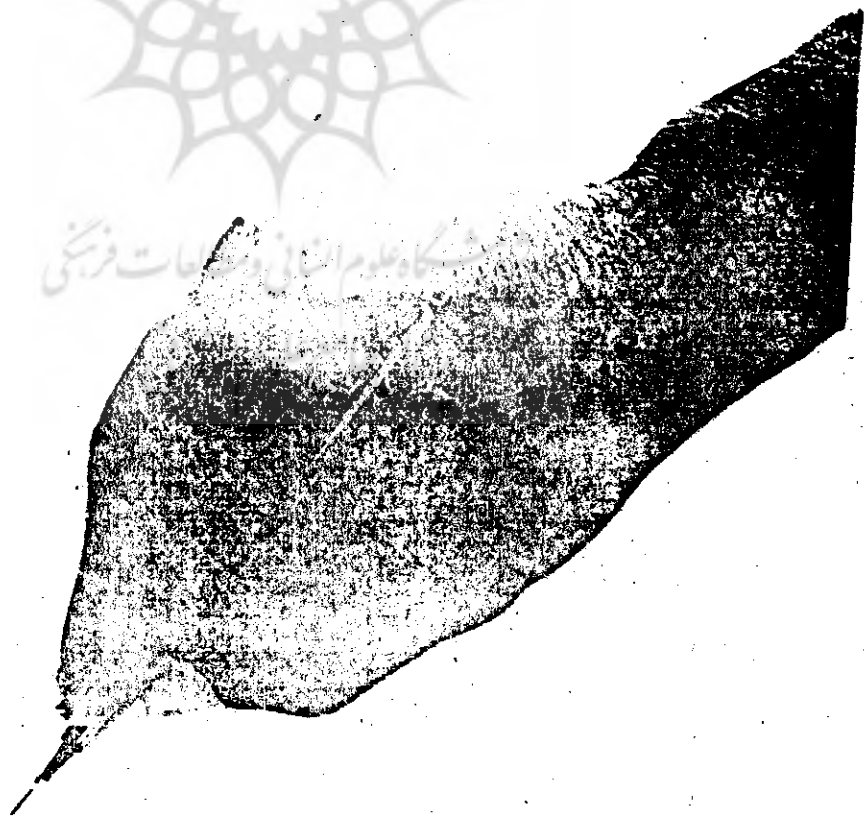
تولید و تکمیل اینگونه سلاحها نیز قبل از به مذاکره نشستن و در حقیقت برخلاف پیمان سالت «۱» شروع شده است و پیمان سالت «۲» نیز بر تکمیل آنها اسرار میورزد و این کار چیزی نیست مگر رشد تولیدات سلاحهای جنگی و این نیز خود دلیل مشهود و روشن است در جهت این که پیمان سالت «۲» نیز چون پیمان سالت «۱» از اعتباری برخوردار نیست و نمیتواند تولیدات اینها را کاهش دهد علاوه بر اینها پیمان سالت «۲» به شوروی اجازه میدهد که زرادخانه خود را گسترش دهد.

دلیل این دو مدعا نیز این است که تا قبل از این پیمان این کشور ۱۲۶۹ موشک داشت ولی با این قرارداد اجازه یافت تعداد آنرا به دو برابر یعنی ۲۵۳۸ موشک افزایش دهد البته این از نظر کمی است از نظر کیفی نیز پیمان قادر به تقلیل دادن انواع سلاحها نیست.

دلیل دیگر این که طبق این قرارداد آمریکا قول داده است که موشکهای کروز را در اروپا بکار نگیرد و اطلاعات فنی آنرا در اختیار کشورهای غربی که در مقابل شوروی احساس خطر میکنند نگذارد با کمی تعمق و اندیشه در باره این قرارداد میبینیم که آمریکا قادر به انجام چنین کاری نخواهد بود چرا که اولاً موقعیت سیاسی اقتصادی خویش را در رابطه با این مسئله از دست خواهد داد، زیرا کشورهای اروپائی را

درمقابل موشکهای «اس اس-۲۰» شوروی که دارای برد متوسط و کلاهکهای اتمی است بی دفاع خواهد گذاشت و این نیز از نقطه نظر استراتژیک صحیح نیست.

ثانیاً این مسئله خود کشورهای ارو پائی را به وحشت انداخته است چرا که با این موشکها شوروی میتواند هر نقطه از ارو پا را مورد حمله قرار دهد. و بهمین جهت آمریکا از جانب کشورهای ارو پائی مورد فشار قرار گرفت. این نیز از آنجا ناشی شده است که محدودیت سلاحها این سلاح را دربرنگرفته است چنین است که میتوانیم بگوئیم که جهان با این پیمانها روی صلح را نخواهد دید و در نتیجه، نتیجه عکس این جریانات توازن قدرت را در سطح قدرتهای جهان به سوی یک انفجار حتمی سوق میدهد که انسانهای بیشماری را نیز در این رابطه خواهد بلعید چرا که تولید اسلحه به بازار نیاز دارد و بازار آن نیز جز میدانهای جنگ انسانها نیست و نتیجه این میدانها نیز مصرف کالای لازم خویش و نهایت هلاک انسانهاست و انسانیت و با این رویه این سرنوشت قریب به یقین ایست که در انتظار جهان است.





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی